

Media and Communication Research

Vol. 1, No. 2, march 2024, 9-34

(DOI) 10.22034/MCR.2023.181955

Exploring the Implications of a Civilizational Perspective for the Ideal National Media Policymaking

Hadi Ghiasi Fathabadi¹

Mohammad Hadi Homayoon²

(Received on: 2024-02-15; Accepted on: 2024-3-2)

Abstract

The Islamic Revolution's trajectory embodies the realization of a new Islamic civilization. Policymaking within Islamic society must align with this perspective. The national media or Islamic Republic of Iran's Broadcasting (IRIB), as the widest-ranging official media of Iran, plays a pivotal role in this context. Central to advancing towards the new Islamic civilization is the adoption of a civilizational perspective in understanding social phenomena. This study delves into the implications of such a perspective on national media policymaking. Our inquiry revolves around the question: What are the ramifications of integrating a civilizational viewpoint into national media policymaking? Utilizing a data-based methodology, we scrutinize experts' perspectives on the characteristics and criteria of a civilizational outlook. Our findings reveal key traits such as temporal and spatial expansiveness, imbued meanings, epistemic foundations, objectivity, order, uniformity, and dynamism. Consequently, a media output rooted in a civilizational perspective emerges as hope-inspiring, guiding, intellectual, lawful, and unifying. Such media not only provides an accurate narrative of facts but also offers solutions while addressing the diverse requirements of regional and global audiences. Civilizational policymaking within the national media sphere is dedicated to steering social life, fostering awareness, facilitating dialogue, and nurturing respect for diverse cultural inclinations.

Keywords: national media, civilization, civilizational perspective, media policymaking.

1. PhD student, Faculty of Culture and Communications, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (corresponding author).
Email: hadi.ghiasi@gmail.com

2. Professor, Department of Culture and Communications, Faculty of Culture and Communications, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: homayoon@isu.ac.ir

احصاء و تحلیل دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری مطلوب رسانه ملی

هادی غیائی فتح‌آبادی^۱

محمد هادی همایون^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲]

چکیده

خط سیر ضرورت انقلاب اسلامی، تحقق تمدن نوین اسلامی است و سیاست‌گذاری در جامعه اسلامی باید ناظر به این چشم‌انداز باشد. رسانه ملی فراگیرترین رسانه رسمی جمهوری اسلامی ایران است و کاربست بینش تمدنی در صورت بندی صحیح از پدیده‌های اجتماعی توسط رسانه ملی، از لوازم حرکت آن به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می‌آید. پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که «دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری رسانه ملی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش به بررسی شاخصه‌های بینش تمدنی از دید صاحب‌نظران با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، بسط زمان - مکانی، معانی، مبانی معرفتی، عینیت، نظم، یکپارچگی و پویایی تمدنی مهم‌ترین شاخصه‌های بینش تمدنی به شمار می‌آیند. بر این اساس خروجی سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی، رسانه‌ای امیدبخش، هدایت‌کننده، تفکرمحور، قانون‌گرا و انسجام‌بخش است که افزون بر روایت صحیح از واقعیت‌ها، به ارائه راه‌حل آنها نیز می‌پردازد و با نگاهی کلان و فراگیر، اقتضائات توجه به مخاطبان منطقه‌ای و جهانی را مدنظر قرار می‌دهد. سیاست‌گذاری تمدنی در رسانه ملی با وجود دغدغه هدایت بستر زندگی جامعه، بر توجه به آگاهی و اختیار مردم، گفتگو و احترام به سلیقه‌های فرهنگی مختلف بنا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رسانه ملی، تمدن، بینش تمدنی، سیاست‌گذاری رسانه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hadi.ghiasi@gmail.com

۲. استاد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران homayoon@isu.ac.ir

مقدمه

مطالعات تمدنی از حوزه‌های نظری در حال گسترش در فضای فکری علوم اجتماعی در ایران است که با رویکردهای فلسفی، تاریخی، اجتماعی و ... تمدن و مسائل تمدنی را بررسی می‌کند. تحلیل و دیدگاه‌های تمدنی دارای پیشینه تاریخی در جهان غرب، جهان عرب و ایران معاصر است. علاقه به تحلیل تمدنی از آنجا سرچشمه می‌گیرد که تحلیل پدیده‌های اجتماعی با توجه به لایه‌لایه بودن آنها در سطوح متفاوتی صورت می‌پذیرد. تمدن، اشاره به بزرگ‌ترین واحد تحلیل اجتماعی دارد و تحلیل تمدنی، فراگیرترین سطح تحلیل اجتماعی به شمار می‌آید.

تمدن را می‌توان از دو نظر بررسی کرد: گاهی در جایگاه موضوع و گاهی رویکرد. اگر تمدن به مثابه موضوع مطالعه شود، مطالعات تمدنی شکل می‌گیرد و اگر به مثابه رویکرد نگرین شده شود، بینش تمدنی شکل می‌گیرد. مطالعات تمدنی تنها تمدن و عناصر آن را بررسی می‌کند؛ اما بینش تمدنی تمام مسائل اجتماعی مختلف را از نقطه نظر دیدگاه تمدنی تحلیل می‌کند. «این رویکرد با توجه به ریشه‌های عمیق و بنیادین الگوهای زیستی جامعه می‌تواند آینده‌ای ایده‌آل و در عین حال دست‌یافتنی را برای جامعه تصویر کند» (هاشمی‌نسب، ۱۴۰۲: ص ۳۶۸). گسترش مطالعات تمدنی و توجه به بینش تمدنی در ایران با توجه به چشم‌انداز پیش‌روی انقلاب اسلامی سرعت بیشتری گرفته است. در واقع از آنجا که تمدن نوین اسلامی چشم‌انداز مطلوب انقلاب اسلامی ایران است، اندیشمندان می‌کوشند نظام‌های اجتماعی مختلف در جامعه اسلامی را ناظر به تمدن نوین اسلامی تحلیل و بررسی کنند و صورت‌بندی نوینی از آنها ارائه نمایند. یکی از نظام‌های اجتماعی مهم در ایران معاصر، نظام رسانه‌ای است که بررسی سیاست‌گذاری آن در پرتو بینش تمدنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این امر به ویژه با توجه به فراگیر شدن رسانه‌ها و نقش فراوانی که در سبک زندگی انسان معاصر دارند، بیشتر آشکار می‌شود؛ از

این رو نسبت‌سنجی سیاست‌گذاری رسانه ملی در جایگاه مهم‌ترین رسانه رسمی در ایران با بینش تمدنی از ضرورت‌های این حوزه به شمار می‌آید.

سیاست و سیاست‌گذاری در هر جامعه با توجه به اندیشه و فرهنگ حاکم بر آن جامعه صورت‌بندی خاص خود را می‌گیرد. «سیاست روش کلی، رهنمود و تدبیر برای نیل به اهداف و اداره امور می‌باشد و چارچوبی ذهنی است که راهبرد در قالب آن شکل می‌گیرد» (خواجه‌سروری و بیات، ۱۳۹۶: ص ۳۸). «سیاست‌گذاری فرایندی است که شامل تمام اقداماتی می‌شود که از زمان احساس مشکل شروع و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط مشی ختم می‌گردد» (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ص ۲). استفاده از نظام معنایی تمدن در حوزه سیاست‌گذاری رسانه ملی، فرایند متمایزکننده و با این وجود همگون‌سازی است که کارکردی دوگانه دارد؛ یعنی با این وجود با هم‌سنگری موجب همگرایی و اتحاد بیشتر بین هویت‌های فرهنگی مختلف در جامعه می‌گردد، با پویانگری موجب واگرایی و به جستجوی هویت متمایزرفتن و در نتیجه گفتگوی بین هویت‌های مختلف در جامعه می‌شود. دلالت‌های حوزه معنایی تمدن و بینش تمدنی در سیاست‌گذاری رسانه ملی، دلالت‌هایی قابل تأمل و جستجو است؛ از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که «دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری رسانه ملی چیست؟» و برای پاسخ به این پرسش به استخراج شاخصه‌های بینش تمدنی با استفاده از نظر صاحب‌نظران و بررسی دلالت‌های آن در حوزه سیاست‌گذاری رسانه ملی می‌پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های مربوط به مطالعات تمدنی به‌ویژه تمدن نوین اسلامی رشد زیادی داشته است؛ اما هیچ‌کدام به ارتباط بینش تمدنی با سیاست‌گذاری رسانه ملی نپرداخته است. در حوزه سیاست‌گذاری رسانه ملی نیز هیچ پژوهشی یافت نشد که به ارتباط

این حوزه با بینش تمدنی پرداخته باشد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های نزدیک به مسئله پژوهش حاضر اشاره می‌شود: جهان‌بین و معینی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» به تبیین نظر رهبر معظم انقلاب در باب لوازم پیشینی تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی پرداخته‌اند و در نهایت چهار گام تولید نظریه توسط حوزه علمیه، تولید علم توسط دانشگاه، کاربست در سطح خرد توسط گروه‌های خودجوش نخبگانی و گفتمان‌سازی را پیشنهاد داده‌اند که در نهایت به تطبیق دولت و چارچوب‌های آن با چارچوب‌های دینی می‌انجامد. محمدرضا بهمنی (۱۳۹۸) در کتاب عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران به دنبال پاسخ به این پرسش است که آورده‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟ او پاسخ آن را در سه ضلع دیدگاه‌های پشتیبان انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، اسناد بالادستی به‌وجودآمده در گذشته نظام اسلامی و کارنامه عملی و تجربه تمدنی شکل‌گرفته در جمهوری اسلامی و در هشت مسئله تمدنی با رویکرد «امت‌محور» جستجو کرده است. این کتاب با نگاه به جنبه‌های عمدتاً نرم و انسانی تمدن به‌ویژه محوردانستن امت اسلامی به‌مثابه مفهوم هادی در مقاله آغازین «مفهوم‌شناسی امت»، بررسی خود را طی هشت مقاله بعدی در موضوع‌های «مواجهه تمدنی با غرب»، «جریان مقاومت»، «مدیریت اقوام و مذاهب»، «اسلامی‌سازی علوم انسانی»، «مناسک امت‌ساز حج»، «مردم‌سالاری دینی»، «الگوی پیشرفت» و «دوگانگی نهاد علم» با بررسی اسناد و اقدام‌های جمهوری اسلامی در هر موضوع به انجام رسانده است.

محمدهادی همایون (۱۳۹۸) در کتاب چهلستون تمدن؛ مبانی حکمی تمدن نوین اسلامی با رویکرد قرآنی، روایی و به‌ویژه نگاه توحیدی به مراتب هستی‌شناختی به بیان مسیر تاریخ در نگاه قرآن با محوریت نقش امام پرداخته است تا بتواند در چهل باب و ستون، دیدگاه تمدن نوین اسلامی را در نگاهی کاملاً مستقل از مبانی موجود تمدنی و در چارچوبی معنادار و هماهنگ تقویت کند. بهمنی (۱۳۹۴) در رساله دکتری با عنوان

«الگوی سیاست‌گذاری مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام با رویکرد تمدنی (سیاست‌پژوهی موردی: ایران و ترکیه)» به این مسئله پاسخ داده است که «ابعاد و مؤلفه‌های مفهومی رویکرد تمدنی امت محور برای اعتلای الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام کدام‌اند». برای پاسخ به این پرسش، پس از بررسی چستی رویکرد تمدنی، شبکه‌ای مفهومی متشکل از دوازده دلالت قرآنی و روایی، ذیل سه مقوله مفهومی شامل هویت و اعتبار مشترک، دین و باورهای اعتقادی و سلوک و سبک هم‌زیستی برای تبیین رویکرد تمدنی امت محور استخراج شده است.

رسول نوروزی فیروز و فاضله خاتمی (۱۳۹۹) در کتاب تمدن و جهانی شدن با ترجمه مقالاتی برگزیده به معرفی مسائل پیش‌روی تمدن در عصر جهانی شدن پرداخته‌اند که برخی از آنها به ماهیت تمدن و جهانی شدن و برخی دیگر به فرایند و نوع تعامل این دو، البته با خوانشی متفاوت ارتباط پیدا می‌کند. حبیب‌الله بابایی (۱۳۹۹) در کتاب تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی به دنبال راهی الهیاتی برای فهم مسئله «تنوع» به ویژه تنوع فرهنگی در صورت بندی تمدن توحیدی بوده است تا مشکل «یکی و چند» را در اندیشه تمدنی اسلام حل نماید.

همان‌طور که بیان شد، پژوهش‌های انجام شده بیشتر ناظر به کلیت تمدن نوین اسلامی و فرایند آن است و به جز یک مورد به طور مشخص ناظر به دلالت مطالعات تمدنی و بینش تمدنی در سیاست‌گذاری رسانه ملی پژوهش مستقلی صورت پذیرفته است. گفتنی است رساله دکتری با عنوان «الگوی سیاست‌گذاری مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام با رویکرد تمدنی (سیاست‌پژوهی موردی: ایران و ترکیه)»، تا حدودی مشابه این پژوهش است؛ اما روش و مطالعه موردی این دو پژوهش متفاوت است. همچنین روش و شیوه استخراج مؤلفه‌های بینش تمدنی متفاوت است؛ چراکه بینش تمدنی در پژوهش مذکور از قرآن به دست آمده است؛ اما در پژوهش حاضر با روش مصاحبه و مطالعه اسنادی تمامی منابع مربوط.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. تمدن

تمدن یعنی انتظام نمودن و اجتماع اهل حرفه. برخی دیگر از لغت‌شناسان آن را به معنای خوگرفتن با اخلاق و آداب شهریان دانسته‌اند (میرصادقی، ۱۳۹۰: ص ۳۹). مطالعات تمدنی در جهان غرب پس از جنگ جهانی دوم گسترش پیدا کرد. «از دهه ۱۹۶۰ علاقه جدید به تحلیل تمدنی، به ویژه با آثار علمی نوربرت الیاس (۱۹۷۷)، بنجامین نلسون (۱۹۸۱) و آیزناشتات (۲۰۰۰) به وجود آمد. این مباحث در زمینه تغییر ژئوپلیتیکی از تمدن‌های غربی به غیرغربی و بحث‌های مربوط به مدرنیته ترکیبی در یک زمینه برجسته در جامعه‌شناسی بین‌المللی و جهانی توسعه یافته است» (Willfried Spohn. 2011: 24). تمدن‌پژوهی و مطالعات پیرامونی آن در نظام علمی غرب، سابقه‌ای دیرینه دارد و رویکردهای متفاوت و گوناگونی درباره آن موجود است. رویکردهای فلسفه نظری، جامعه‌شناختی راهبردی، توصیف تاریخی و مطالعات اختصاصی تمدن اسلامی را در تاریخ مطالعات اسلامی در غرب می‌توان مشاهده کرد (بارانی و میرمحمدی، ۱۳۹۱: ص ۹).

اهالی علوم دقیقه می‌گویند هرچه بر «بعد» افزوده شود، درک آن نیز دشوارتر می‌شود؛ به گونه‌ای که ذهن مرکب باید جایگزین نوع بسیط آن شود. می‌گویند تصور بیش از «سه بعد» در اجسام ممکن است، اما به غایت دشوار. به گمانم برخی واژگان هم از همین جنس هستند و از سه بعد هم گذشته‌اند؛ واژه چندبعدی‌ای چون تمدن یکی از آنهاست. به اندازه‌ای تعاریف متکثر و مقوله‌بندی‌های متعدد از ابعاد مختلف در مورد تمدن ارائه شده است که گاه به نظر می‌رسد بیش از آنکه باعث زدودن ابهام شود، بر ابهام افزوده شده است. افزون بر این برخی واژه تمدن را مترادف با واژه فرهنگ گرفته‌اند. واژه‌ای که خود به مراتب داستانی معشوش‌تر از تمدن دارد (اباذری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۲). مفهوم تمدن در این پژوهش به معنای «ظهور و بروز در یک یا چند جامعه، بر اساس طرز تفکری روشن [است]

که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه را به مقصد مورد نظر می‌رساند» (غلامی، ۱۳۹۶: ص ۳۱). بینش تمدنی هم اشاره به کاربست مولفه‌های مفهومی تمدن در تحلیل مسائل مختلف اجتماعی دارد. رویکرد تمدنی غایت‌اندیشانه و ناظر به عواقب، پیامدها و نتیجه و راهبردگرایانه و ناظر به سازوکار کلان و مؤثر است (واسعی، ۱۴۰۲: ص ۳۵۳).

۲-۲. سیاست‌گذاری رسانه ملی

سیاست‌گذاری رسانه در هر کشور متناسب با شرایط فرهنگی آن کشور سامان‌دهی می‌شود و این امر در جمهوری اسلامی ایران شرایط پیچیده خاص خود را دارد. «سپهر متحول و رقابتی رسانه و ضرورت حضور هرچه مؤثرتر رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، خصوصاً صداوسیما در این سپهر، از یک طرف و اصالت و اهمیت محتوا با لحاظ رضایت و مصلحت مخاطبان از طرف دیگر به علاوه تفاوت ماهوی عموم رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران با جریان اصلی جهانی رسانه‌ها، سیاست‌گذاری را از امری ساده و روان به موضوع سخت و پیچیده تبدیل کرده است» (خجسته باقرزاده، ۱۳۹۸: ص ۱۳۳). «صداوسیما رسانه‌ای است فراگیر و محوری که در کشور ما به صورت انحصاری و زیرنظر مقام معظم رهبری اداره می‌شود» (مظفر و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۱۰۳). «سیاست‌گذاری، به عنوان موتور محرک رسانه ملی در مسیر رسیدن به اهداف تعریف شده و چشم‌انداز ترسیمی سازمان صداوسیما تلقی می‌شود» (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۵۹). رسانه ملی در ایران نیازمند سیاست‌گذاری جامعی است که بتواند با توجه به تغییرات محیطی و حضور رسانه‌های رقیب جایگاه خود را در بین مخاطبان حفظ و در آینده این جایگاه را ارتقا بخشد (روشندل اربطانی و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۱۱۱).

سیاست‌گذاری رسانه بسته به مقتضیات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سنت‌های فرهنگی و نظایر آن، مفاهیم گوناگون و گاه متضادی را دربر می‌گیرد (لبافی، ۱۳۹۸: ص ۳۷).

به طور کلی می‌توان سیاست‌گذاری رسانه‌ای را اتخاذ تصمیم‌هایی برای پیشبرد اهداف سازمان‌های رسانه‌ای با توجه به محیط کلان آن در جامعه دانست (Macquail, 2006, p. 18) «از بعد نظری دو رویکرد در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای وجود دارد؛ رویکرد اول که رویکرد سنتی به سیاست‌گذاری رسانه است، رسانه‌ها را نهادهایی قابل سیاست‌گذاری می‌داند و در این راستا بیشتر اهمیت دولت‌ها و حاکمیت‌ها را پررنگ می‌کند که چطور دولت‌ها برای حفظ منافع عمومی دست به سیاست‌گذاری رسانه‌ای می‌زنند. رویکرد دوم رویکردی است که از نظر پیشرفت‌های تکنولوژیک حوزه ارتباطات و ظهور رسانه‌های نوین عرصه رسانه را عرصه‌ای غیرقابل سیاست‌گذاری می‌داند» (روشندل اربطانی، ۱۳۹۴: ص ۴۹۰). با توجه به نوع دیدگاه به رسانه، سیاست‌گذاری رسانه‌ای نیز متفاوت می‌شود و سه دیدگاه ذات‌گرایانه، ابزاری و اقتضایی در این باره وجود دارد. اگر به ذات‌انگاری رسانه قائل شویم، سیاست‌گذاری رسانه‌ای تا حدود زیادی بی‌معنا می‌شود؛ چراکه با توجه به این نظریه، ماهیت فناوری و از جمله رسانه‌ها، جهان‌بینی انسان را تا اندازه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد که تلاش برای سیاست‌گذاری رسانه، بی‌فایده یا بی‌معنا خواهد بود. اگر ماهیت رسانه را ابزاری صرف بدانیم، رسانه ابزاری خواهد بود برای اهداف از پیش تعیین شده و کاملاً در برابر هدف‌های مختلف خنثی عمل می‌کند. به نظر می‌رسد به دلیل توجه نکردن به آثار و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر تکنولوژی، نوعی سطحی‌نگری در تلقی ابزاری از تکنولوژی به ویژه تکنولوژی نوین وجود دارد. اگر ماهیت رسانه را اقتضائی بدانیم، اقتضائات، ظرفیت‌ها، امکانات و محدودیت‌های خاصی در رسانه مانند دیگر تکنولوژی‌ها وجود دارد که لازمه استفاده صحیح از آن را می‌توان شناخت دقیق محدودیت‌ها دانست. نظریه اقتضاگرایانه در مقایسه با دو نظریه دیگر رویه منطقی‌تر و متعادل‌تری پیموده است و از مقبولیت بیشتری نیز برخوردار است و در تحلیل رابطه میان سیاست‌گذاری و رسانه نیز مبنای مناسب و تأیید شده‌ای به نظر می‌رسد.

۳. روش پژوهش

از آنجاکه مسئله این پژوهش، کشف موضوعی جدید است، روش این پژوهش کیفی خواهد بود. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه ساخت یافته است و در این مسیر کوشیده شده است از ادبیات علمی بیان شده در حوزه مطالعات سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری رسانه، تمدن و مطالعات تمدنی، نظرات نخبگان، صاحب‌نظران فرهنگی و تمدنی، سیاست‌گذاران و کارشناسان مربوط بهره‌برداری شود. دسترسی به افراد مصاحبه‌شونده با روش گلوله برفی صورت گرفته است. در این راستا با پانزده نفر از استادان و پژوهشگران حوزه تمدنی مصاحبه شده است. روش تحلیل داده در این پژوهش، تحلیل داده بنیاد خواهد بود. نظریه داده بنیاد، روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۳). همچنین روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی فرایندی منظم به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، دیگر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. (Powell, 1999, p. 92) روالی نظام مند و کیفی است برای تولید نظریه‌ای که یک فرایند، کنش یا برهم‌کنش را در باره یک موضوع خرد واقعی در سطح مفهوم کلی تشریح می‌کند (Creswell, p. 78, 2005). مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده است. (Newman, 1997, p. 25) این روش طی سه مرحله انجام می‌شود: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری؛ ج) کدگذاری گزینشی. (Lee, 2001, p. 112) در این سه مرحله ابتدا تجزیه و توصیف داده‌های جمع‌آوری شده انجام می‌شود؛ سپس به تشریح و تفسیر مقولات انتزاع شده پرداخته می‌شود و در نهایت با ادغام و یکپارچه کردن مقولات، الگوی مشخصی ارائه می‌گردد. نظریه داده بنیاد، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با شتاب اجرا شود. نکته

مهم این است که تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای خطوط راهنما استفاده می‌کنند و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص، این امر باعث انعطاف‌پذیری آنها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های تحقیق می‌شود (Patton, 1990, p. 128). در جدول زیر نمونه‌ای از شیوه استخراج مفاهیم در کدگذاری باز قابل مشاهده است.

جدول شماره (۱): نمونه‌ای از کدگذاری باز در تحلیل گزاره‌های این پژوهش

شماره کد	گزاره	مفهوم	منبع
۱	پویانگری به مفهوم دوری جستن شخص / سازمان از ایستادگی پدیده مورد بررسی و نگاه به آن و بررسی تعاملات آن در محیطی دارای تغییر و تحول مستمر و واکاوی عوامل مؤثر بر پایایی و بالندگی پدیده مورد نظر در چنین محیطی.	پویانگری	الویری، ۱۴۰۲
۲	امیدآفرینی به مفهوم غلبه نگاه مثبت شخص / سازمان در ارزیابی پدیده مورد بررسی با تأکید بر داشته‌های خود هم‌زمان با حفظ واقع‌نگری و همسو با اهداف و آرمان‌های خویش این ویژگی موجب ایجاد روحیه امیدواری و امیدگرایی در خود فرد و امیدبخشی او به دیگران می‌شود.	امیدآفرینی	الویری، ۱۴۰۲
۳	آرمان‌گرایی آمیخته با نگاه انضمامی و عینی و درهم‌تنیده بودن مقام نظر و مقام تحقق و به هم‌گره خوردن فهم و عینیت.	آرمان‌گرایی	الویری، ۱۴۰۲
۴	پذیرش تنوع تمایز و تکثر در ابعاد شکلی و گاهی محتوایی حیات بر اساس تفاوت شرایط محیطی و اوضاع زمانه همراه با تأمل در تعیین تاریخی ملت یا امت و افق‌های تمدنی فراروی آن.	پذیرش تنوع و تکثر	امیدی، ۱۴۰۲
۵	توجه انتقادی یا اصلاحی به عرصه کلان ظهور اندیشه‌های معطوف به عمل در دو سطح راهبردی و کاربردی.	توجه به اندیشه‌های معطوف به عمل (راهبردی و کاربردی)	امیدی، ۱۴۰۲

<p>بابایی، ۱۴۰۲</p>	<p>کلان‌نگری زمانی</p>	<p>کلان‌نگری زمانی شمولیت زمانی مطالعات اسلامی و انسانی مطالعات اسلامی یا مطالعات انسانی‌ای که با رویکرد تمدنی شکل می‌گیرند، همواره موضوع مورد مطالعه خود را در گستره وسیع زمانی در نظر می‌گیرند بدون توجه به گستره زمانی و بدون توجه به تبار تاریخی و همین‌طور بدون تأکید بر احتمال‌های آینده‌پژوهانه در موضوع مورد بررسی نگاه تمدنی شکل نمی‌گیرد؛ در این باره دیدن هر موضوع در دوره‌های مختلف تاریخی‌اش بدون تردید رویکرد ما را در نگاه به آن موضوع به رویکردی تمدنی تبدیل خواهد کرد.</p>	<p>۶</p>
<p>بابایی، ۱۴۰۲</p>	<p>کلان‌نگری مکانی</p>	<p>کلان‌نگری مکانی شمولیت مکانی و جغرافیایی مطالعات اسلامی و انسانی افزون بر کلان‌نگری، زمانی در نگاه کلان به مسئله‌های اسلامی و مسائل علوم، انسانی باید شمولیت و گستره موضوع مورد مطالعه را در ورای سرزمین‌ها نیز جستجو کرد و مسئله‌های آن را در سرزمین‌های مختلف پی‌گرفت و پیامدهای سرزمینی هر یک را بررسی کرد آن‌گاه به ارتباط ماهیت موضوع مورد نظر در سرزمین‌های مختلف و در فرهنگ‌های متنوع پرداخت و وجوه اشتراک و افتراق همان یک موضوع را در موارد مختلف بررسی کرد.</p>	<p>۷</p>

در این پژوهش با استفاده از روش شناسی داده‌بنیاد، شاخصه‌های بینش تمدنی استخراج شده است؛ سپس به نسبت‌سنجی سیاست‌گذاری رسانه ملی با شاخصه‌های بینش تمدنی پرداخته می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش، باید گفت سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی ناظر به تغییر وضعیت یک مسئله مبتنی بر مبانی معرفتی تمدنی است؛ به طوری که با وجود بسط زمان - مکانی، پویایی، هماهنگی، نظم و عینیت تمدنی در آن مسئله، با محوریت مناسبات انسانی هویت تمدنی خلق، اشاعه و تثبیت گردد.

مبتنی بر روش‌شناسی پژوهش، سی‌وسه مفهوم حاصل کدگذاری باز، چهارده مقوله حاصل کدگذاری محوری و هفت شاخصه حاصل کدگذاری انتخابی برای بینش تمدنی استخراج شد. با استفاده از مفاهیم، مقولات و شاخصه‌های استخراج‌شده برای بینش تمدنی، سیاست‌گذاری رسانه ملی بر بینش تمدنی مبتنا پیدا می‌کند و بین مباحث نظری مطالعات تمدنی و مسائل عینی در حوزه رسانه ملی پل و ارتباط ایجاد می‌شود.

۴-۱. کدگذاری محوری

این کدگذاری به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر هستند و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آنها از طریق همان فرایند تحلیلی، انجام مقایسه‌ها برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند.

کدگذاری محوری

مقوله	مفهوم	ردیف
هستی‌شناسی	انسان‌شناسی جامعه‌شناسی غایت و ارزش‌شناسی	۱
سنت‌شناسی	کلان‌نگری در زبان کلان‌نگری در محتوا کلان‌نگری در مصادر	۲
تمایز تمدنی	احترام به دستاوردها توجه به مواجهه تمدنی	۳
حس تعلق تمدنی	جاری شدن معنا وابستگی غایت‌مند	۴

ردیف	مفهوم	مقوله
۵	توجه به نیاز تسلط بر طبیعت	تکنولوژی
۶	انضمامی بودن علم ناظر به عمل	علم
۷	جامعیت ابعادی انسجام و همگرایی	همه‌جانبه‌نگری
۸	سیستمی‌نگری هم‌جهتی	کل‌نگری
۹	انسانی دیدن جهان‌نگری	تنوع‌نگری
۱۰	آرمان‌گرایی امیدآفرینی تحول‌خواهی اعتماد به نفس توجه به غایت و هدف	پیشرفت و تکامل
۱۱	اجتماعی دیدن عدالت اجتماعی	طریقت نظام‌های اجتماعی
۱۲	اخلاق اجتماعی عاملیت گروه‌های انسانی	محوریت مناسبات انسانی
۱۳	توجه به میراث و سیر تاریخی گذشته توجه به آینده	کلان‌نگری تاریخی
۱۴	توجه به الگوشدن توجه به تکثر فرهنگی	کلان‌نگری جغرافیایی

۲-۴. کدگذاری انتخابی

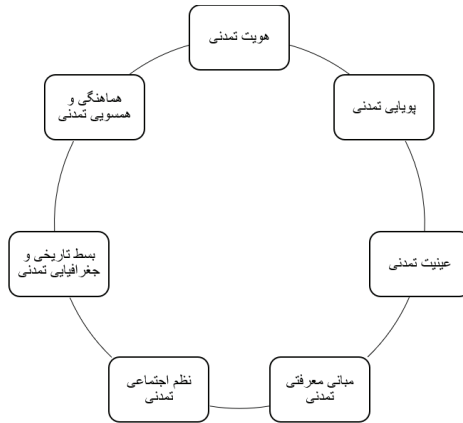
«کدگذاری انتخابی»، فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله هاست. در یک سطح اصلی، این مرحله شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه می شود، ارائه می دهد.

کدگذاری انتخابی

ردیف	مقوله	شاخصه
۱	هستی‌شناسی سنت‌شناسی	توجه به مبانی معرفتی تمدنی
۲	تمایز تمدنی تعلق تمدنی	توجه به هویت تمدنی
۳	تکنولوژی علم	توجه به عینیت تمدنی
۴	همه‌جانبه‌نگری کل‌نگری	توجه به یکپارچگی تمدنی
۵	تنوع‌نگری پیشرفت و تکامل	توجه به پویایی تمدنی
۶	طریقت نظام‌های اجتماعی محوریت مناسبات انسانی	توجه به نظم اجتماعی تمدنی
۷	کلان‌نگری تاریخی کلان‌نگری جغرافیایی	توجه به بسط زمان - مکانی

۳-۴. شاخصه‌های بینش تمدنی

شاخصه‌های بینش تمدنی را می‌توان در شکل شماره (۱) مشاهده کرد.



شکل شماره (۱): شاخصه‌های بینش تمدنی

مبانی معرفتی، تبیین‌کننده جهت و محتوای هر یک از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بینش تمدنی است و به عبارتی بین شاخصه مبانی معرفتی با دیگر شاخصه‌ها، رابطه علی و معلولی در ساحت نظری حاکم است. شاخصه بسط تاریخی و جغرافیایی نیز معلول دیگر شاخصه‌هاست؛ چراکه تمدن حاصل بسط تاریخی - جغرافیایی جامعه‌ای با ظرفیت‌های تمدنی است و اگر دیگر شاخصه‌ها در سطح مناسبی در ظرف جامعه تحقق پیدا کنند، بسط تاریخی و جغرافیایی از نتایج آن خواهد بود. بین شاخصه‌های هویت معنایی، نظام‌های اجتماعی، عینیت اجتماعی، پویایی اجتماعی و هماهنگی عناصر اجتماعی تمدن نوعی اثر تعاملی و رابطه دوطرفه وجود دارد؛ به این معنا که هرچه یکی از این شاخصه‌ها تقویت شود، این امکان وجود دارد که شاخصه دیگر نیز تقویت شود. به عبارت دیگر تحقق بهتر یک شاخصه، سبب تسهیل تحقق بهتر شاخصه دیگر می‌گردد.

۴-۴. مؤلفه‌های سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی

بر اساس مؤلفه‌های بینش تمدنی، می‌توان مؤلفه‌هایی برای سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی تشریح نمود که رسانه ملی در چارچوب این مؤلفه‌ها به نقش‌آفرینی بهتر کارکردهای خود در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی بپردازد.

۴-۴-۱. پویایی و امیدآفرینی

یکی از بنیادی‌ترین شاخصه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی رامی‌توان توجه و تأکید بر امید و امیدآفرینی ذکر کرد. «امیدآفرینی به مفهوم غلبه نگاه مثبت در ارزیابی پدیده مورد بررسی با تأکید بر داشته‌های خود هم‌زمان با حفظ واقع‌نگری و همسو با اهداف و آرمان‌های خویش است. این ویژگی موجب ایجاد روحیه امیدواری و امیدگرایی در خود فرد و امیدبخشی او به دیگران می‌شود» (الویری، ۱۴۰۲: مصاحبه پژوهش). امید سکوی پرش حرکت تمدنی است و بدون امید پیشرفتی محقق نمی‌شود. «تمدن‌ها در گذشته و تمدن‌سازی در آینده ارتباط مستقیمی با سطح امید و یأس در جامعه دارد. می‌توان گفت که اساساً مهم‌ترین نقطه کانونی تمدن‌سازی، امید است و مهم‌ترین معضل و بحران در یک تمدن، نومیدی و یأس است» (بابایی، ۱۳۹۸: ص ۲۰۶). رسانه ملی با توجه به رسالت تمدنی خود باید با تأکید بر ظرفیت‌ها، فضای جامعه را آکنده از امیدواری و امیدگرایی کند. جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های طبیعی و انسانی چشم‌گیری برای تحقق تمدنی نوین در فضای جهان معاصر کنونی دارد. بیان و روایت صحیح واقعیت‌ها و توجه به آرمان‌ها و اهداف متعالی پیش‌رو حرکت تمدنی انقلاب اسلامی، موانع را از جلوی قلب و چشم انسان‌های سلیم‌النفس برمی‌دارد و نور امید را درون آنها روشن خواهد کرد.

۴-۴-۲. معنا و هدایت‌کنندگی

شاخصه هدایت‌کنندگی در سیاست‌گذاری رسانه ملی در راستای جهت‌دهی به کارکرد راهنمایی و رهبری تلویزیون است. بینش تمدنی بر پیشرفت و تکاملی بودن حرکت مسائل و پدیده‌ها تأکید می‌کند. تمدن در یک معنا که با توجه به فرایندی دیدن تمدن مورد توجه قرار می‌گیرد، به معنای پیشرفت و حرکت رو به جلو است. پیشرفت در هر جامعه مبتنی بر مبانی معرفتی و اهداف و چشم‌انداز آن جامعه تعریف می‌شود. در نظام تفکر اسلامی

پیشرفت باید برای تحقق توحید در جامعه باشد. توجه و تأکید بر پیشرفت توحیدی رامی توان هدایت‌کنندگی نامید. رسانه ملی در راستای ایفای رسالت تمدنی خود باید هدایت‌کنندگی داشته باشد. توحید در تمامی زمینه‌های اجتماعی باید تحقق یابد و هدایت‌کنندگی رسانه ملی نیز باید در تمامی عرصه‌ها متناسب با مسائل و شرایط آن جاری باشد.

بی‌شک هدف اصیل دین اسلام از هر نوع سیاست فرهنگی، رضای خداوند متعال و وصال به اوست که ساختار وجود انسان برای نیل به آن خلق شده است و جز در تقرب به او آرامش نمی‌یابد. این هدف حقیقتی است که تمام کمالات انسانی به او برمی‌گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت خدا باوری و حق محوری روح حاکم بر سیاست فرهنگی در اسلام است. بر اساس خدا باوری هدایت و سعادت نهایی انسان در توجه به اصل توحید محقق می‌شود و تأمین رفاه مادی، عدالت، کرامت و آزادی انسان از اهداف میانی حکومت اسلامی و برای رسیدن به هدف نهایی تفسیر می‌شوند (نیازی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵).

۳-۴-۴. مبانی معرفتی و تفکر محوری

تأکید بر مبانی معرفتی، محوریت مناسبات انسانی، گفتگو و حرکت به سمت اهداف متعالی از عناصر بینش تمدنی است که تفکر محوری از لوازم آنها به شمار می‌آید. انسان تمدنی، انسان متفکر است و تمدن حاصل از بسط زمان - مکانی جامعه‌ای است که گفتگو و تفکر را در جایگاه یک فرهنگ در خود نهادینه کرده است. سیاست‌گذاری فرهنگی در رسانه ملی باید مبتنی بر تفکر و خروجی آن ترویج فرهنگ تفکر محوری باشد.

۴-۴-۴. یکپارچگی و انسجام بخشی

ویژگی انسجام بخشی در سیاست‌گذاری رسانه ملی در راستای جهت‌دهی به کارکرد همگن سازی تلویزیون است. رسانه به معنای واسطه است و پیوند دادن از مهم‌ترین

کارکردهای رسانه است. این پیونددهی اگر ذیل سپهر معنایی مشترک و واحدی صورت پذیرد، یکپارچگی تولید می‌کند. انسجام بخشی حاصل این کارکرد رسانه در چارچوب معنایی بینش تمدنی است. «رسانه میانجی نهادها با هم و با مردم است. از طریق رسانه‌هاست که گفتگو شکل می‌گیرد. اگر این میانجی علاوه بر واسطه بودن تنظیم‌گری نیز بکند و به صورت در زمانی و هم‌زمانی نسبت کارکرد نهادها را با بینش تمدنی نظارت کند، به کارکرد تمدنی نزدیک می‌شود. رسانه ملی باید در خود و دیگر نهادها لحاظ کردن بینش تمدنی را نظارت کند. صرف با زتاب نباشد. بازنمایی و بازتولید کند با فیلترهایی که با لحاظ بینش تمدنی شکل گرفته‌اند» (خیامی، ۱۴۰۲: مصاحبه پژوهش). بنابراین دیگر ویژگی رویکرد تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی، تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی با توجه به ارتباط آنها با ابعاد و ساحت‌های مختلف تمدنی است؛ به‌ویژه امروزه که در مقابل تمدن اسلامی، تمدنی پیچیده در مغرب‌زمین شکل گرفته است. «در این تمدن، پس از دوران رنسانس و در فرایندی زمانی، همه روابط انسانی اعم از رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با انسان‌ها و رابطه انسان با طبیعت دچار دگرگونی اساسی شد و می‌توان گفت عالمی دیگر شکل گرفت. در مغرب‌زمین مبتنی بر تغییر تمایلات اجتماعی، تصرف در عالم طبیعی و عالم انسانی برای بهره‌وری بیشتر و رسیدن به رفاه حداکثری نخستین مسئله اساسی شد و این امر سبب‌کننده شدن از دنیای گذشته گردید؛ نگاه به علم تغییر کرد و دیگر هدف علم تنها توصیف جهان نبود، بلکه هدف تصرف و ارائه معادله تغییر و تولید پدیده‌های جدید شد. با گذشت زمان، نه تنها تصرف بلکه اندیشه تصرفات هماهنگ و ارائه معادلات تغییر هماهنگ، مسئله شد؛ چراکه عالم، عالم ارتباطات است و تغییر هر پدیده با تغییرات کل همراه است. نظریه نسبیت، نگاه سیستمی، منطق کل‌نگر، الگوی جامع توسعه ... همه نشان از تغییر نوع نگرش به عالم و نحوه تصرف در آن شد» (جمالی، ۱۴۰۲: ص ۲۱۴).

گفتگومحوری از لازمه‌های انسجام بخشی رسانه ملی است. «رویکرد تمدنی به طور طبیعی یا بالضروره گفتگومحور است؛ چون همه دیگران را همچون خود دارای فهم و درک و خرد می‌داند و برای اثبات یافته‌خویش به طرح و استدلال و شنیدن نقد و اعتراض می‌پردازد و این شیوه را پایه تعامل در حیات برین می‌داند. این شاخص با گسترش روحیه گذشت در عرصه باورها سهل‌گیری در حوزه عمل و خطاپوشی در حوزه کژرفتاری نمود می‌یابد؛ چنان‌که به تعبیر افلاطون تمدن غلبه تشویق بر تنبیه است و غلبه این رویکرد جهان متفاوتی به نمایش می‌گذارد» (واسعی، ۱۴۰۲: ص ۳۵۴).

«حال در زمینه مهندسی تمدن اسلامی هم راهی جز این نیست که برای هدایت عینی جامعه باید نگاهی منسجم و جامع داشت و در سایه چنین رویکردی به الگویی از توسعه و پیشرفت دست یافت که بتواند همه عرصه‌های حیات اجتماعی را ملاحظه کند و نسبت همه عوامل و متغیرهای تأثیرگذار در توسعه اجتماعی را با یکدیگر و با برآیند کل مشخص سازد تا در سایه چنین الگویی بتوان به برنامه‌ای جامع برای توسعه هماهنگ دست یافت. الزاماً برای دستیابی به این الگوی شامل و جامع در گام قبل می‌بایست به شبکه علوم هماهنگ در جامعه دست یافت؛ شبکه علمی که برآیند آن دستیابی به معادلات تغییر هماهنگ در همه موضوعات ناظر به مدیریت اجتماعی است» (جمالی، ۱۴۰۲: ص ۲۱۷).

۴-۴-۵. عینیت و رویکرد حل مسئله

سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی باید در ویژگی حل مسئله و عینیت‌گرایی تمدنی، بازوی ارتباطی حکومت باشد. تأکید بر پاسخ صحیح به مسائل با استفاده از فضای گفتگوی حداکثری و در چارچوب امیدآفرینی از ملزومات راهگشای بودن رسانه ملی است. لزوم تخصص‌گرایی، استفاده از نخبگان، تأکید بر حل بومی مسائل و توجه به زمان‌بندی حل مسائل از دیگر ملزومات در این باره است.

۴-۴-۶. نظم اجتماعی و قانون محوری

ویژگی این جهانی بودن تمدن، باعث می‌شود نظام‌های اجتماعی برای پاسخ به نیازهای مادی و بیرونی بر اساس ویژگی این جهانی تمدن، عینیت خارجی پیدا کنند. لازمه عینیت نظام‌های اجتماعی، حاکم شدن نظم اجتماعی بر مناسبات انسانی است که با وضع قوانین لازم، تحقق عدالت اجتماعی و توجه ویژه به اخلاق اجتماعی شکل خواهد گرفت. رسانه ملی می‌تواند از طریق برنامه‌های رسانه‌ای مختلف با تأکید بر قانون و قانون‌گرایی، زمینه تحقق نظم اجتماعی در نظام مناسبات انسانی را فراهم کند. بدین ترتیب سبک زندگی نیز در جایگاه بخش اصلی تمدن نوین اسلامی به مرور اصلاح می‌شود و به سمت وضعیت مطلوب خود سوق پیدا می‌کند.

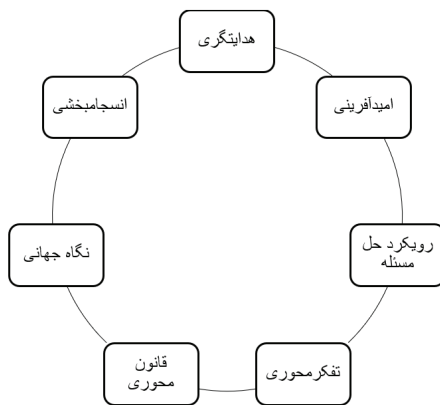
۴-۴-۷. کلان‌نگری جغرافیایی - تاریخی و نگاه جهانی

«شمولیت انسانی مخاطبان کلان‌نگری در هر موضوع و پروژه‌ای اقتضا می‌کند نه فقط آن موضوع را فراتر از زمان و مکان خاصی در نظر گرفت و نه تنها از حوزه‌های معرفتی متنوع و از موضوعات مرتبط و متصل در فهم ابعاد کلان آن موضوع استفاده کرد و نه فقط به نیازهای کلان انسانی در مطالعه مورد نظر توجه کرد، بلکه بتوان با مخاطبان متنوع و متکثر و مخاطبانی در گستره جهانی و در قلمروهای فرهنگی مختلف ارتباط برقرار کرد. این مخاطب عام و فراگیر باید به گونه‌ای باشد که مخاطبان متنوع و متکثر، زبان و منطق این پروژه را فهم کنند، بتوانند با دلایل موجود در آن ارتباط برقرار کنند، این دلایل برای آنها معقول باشد و احتمالاً آن دلایل را در نظام فکری خود بپسندند» (بابایی، ۱۴۰۲: مصاحبه پژوهش). بنابراین توجه به اقتضائات مخاطبان از فرهنگ‌های مختلف فراملی و تأکید بر اصول ارتباطات میان فرهنگی از دلالت‌های کلان‌نگری جغرافیایی در سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی به حساب می‌آید. از ملزومات نگاه جهانی، نگاه مقایسه‌ای و تطبیقی

در ساخت برنامه رسانه ملی است. «رویکرد تمدنی با مطالعه مقایسه‌ای برون‌تمدنی و درون‌تمدنی می‌تواند شناخت بهتری از وضعیت امروز هر جامعه و آینده پیش‌روی آن ارائه دهد» (هاشمی نسب، ۱۴۰۲: ص ۳۶۸).

جمع‌بندی

بسط زمان - مکانی، معانی، مبانی معرفتی، عینیت، نظم، یکپارچگی و پویایی تمدنی مهم‌ترین شاخصه‌های بینش تمدنی به شمار می‌آیند. مبتنی بر شاخصه‌های بینش تمدنی، هدایت‌کنندگی امیدآفرینی، انسجام‌بخشی، تفکر محوری، رویکرد حل مسئله، قانون محوری و نگاه جهانی از شاخصه‌های سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی است (شکل شماره ۲). استفاده از بینش تمدنی در حوزه سیاست‌گذاری رسانه ملی، اشاره به کاربری نگاه کلان و فراگیر تمدنی در تحلیل مسائل اجتماعی توسط رسانه ملی دارد که هم به مبانی معرفتی در پس این مسائل توجه داشته باشد و هم نظام‌های اجتماعی مختلفی که پیرامون هر مسئله به صورت هماهنگ و پویا عینیتی تو در تو می‌یابد را مورد توجه قرار بدهد و هم از هویت معنایی که مسئله با خود خلق، اشاعه و ترویج می‌کند، غافل نباشد.



شکل شماره ۲: شاخصه‌های سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی

مقصود از سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی، کشف، شناخت و انتخاب راه‌حل مسائل رسانه ملی در پرتو بینش تمدنی است؛ یعنی مسئله‌ای که سیاست‌گذار می‌خواهد وضع موجود آن را به سمت وضع مطلوب سوق دهد، باید در پرتو چنین بینشی فهم و برای آن راه‌حل انتخاب شود. مهم‌ترین نکته در تحلیل تمدنی هر مسئله، توجه به هویت معنایی آن مسئله است. اگر آن هویت معنایی درست فهم نشود، راه‌حلی هم که برای پاسخ به آن مسئله انتخاب و اجرا می‌شود، تصویر و تعیین معنایی اشتباهی را بروز و ظهور خواهد داد. در واقع مدیریت تصویر و تعیین معنایی تمدنی را می‌توان مهم‌ترین فرایند سیاست‌گذاری در پرتو بینش تمدنی قلمداد کرد. خروجی سیاست‌گذاری رسانه ملی مبتنی بر بینش تمدنی، رسانه‌ای امیدبخش، هدایت‌کننده، تفکرمحور و انسجام‌بخش است که افزون بر روایت صحیح از واقعیت‌ها، به ارائه راه‌حل آنها نیز می‌پردازد و با نگاهی کلان و فراگیر، اقتضائات توجه به مخاطبان منطقه‌ای و جهانی را مدنظر قرار می‌دهد. سیاست‌گذاری تمدنی در رسانه ملی با وجود دغدغه هدایت بستر زندگی جامعه، بر توجه به آگاهی و اختیار مردم، گفتگو و احترام به سلیقه‌های فرهنگی مختلف بنا می‌شود.

پیشنهادها

با توجه به اینکه پژوهش حاضر ناظر به کاربری بینش تمدنی در سیاست‌گذاری رسانه ملی است و با نظر به مفاهیم، مقولات و شاخصه‌های استخراجی در این زمینه، می‌توان پیشنهادهای نظری و کاربردی ذیل را برای ارتقای سطح سیاست‌گذاری رسانه ملی مطرح نمود:

صورت‌بندی مراحل سیاست‌گذاری رسانه ملی از جمله مسئله‌شناسی، انتخاب راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی مبتنی بر بینش تمدنی؛

مسئله‌شناسی رسانه ملی و استخراج نظام مسائل و اولویت‌بندی آنها مبتنی بر بینش تمدنی توسط جامعه علمی کشور؛ حرکت به سمت الگوهای همگراکننده در سیاست‌گذاری رسانه ملی؛ برگزاری همایش‌ها، میزگردها و جلسات کانونی با هدف اجماع نظر نخبگان و جامعه سیاستی ناظر به راه‌حل‌های مختلف مسائل رسانه ملی؛ تشکیل کارگروه ناظر به حفظ جهت‌گیری تمدنی در شناخت و پاسخ به مسائل در رسانه ملی؛ گفتمان‌سازی رسانه‌ای توسط رسانه‌های مختلف به ویژه رسانه ملی برای ترویج استفاده از بینش تمدنی در تحلیل مسائل کشور؛ افزایش کمی و کیفی مباحث تمدنی در کتب دانشگاهی مربوط به رشته ارتباطات و رسانه برای تربیت نیروی انسانی تراز تمدن نوین اسلامی.

کتاب‌نامه

- ابادری، یوسف، سارا شریعتی و مهدی فرجی (۱۳۹۰ ش)؛ «فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؟ خوانشی از پروبولماتیک فرهنگ - تمدن»؛ تحقیقات ایران فرهنگی، ش ۱۴.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹ ش)؛ تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بارانی، محمدرضا و سیدضیاءالدین میرمحمدی (۱۳۹۱ ش)؛ «درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان»؛ تاریخ اسلام، ش ۵۰.
- بهمنی خدنگ، محمدرضا و مهدی مولائی آرانی (۱۴۰۲ ش)؛ چیستی رویکرد تمدنی: از عرصه نظر تا صحنه عمل؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳ ش)؛ «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»؛ نقد و نظر، س ۱۹، ش ۲.
- بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۸ ش)؛ عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- پی. آرانسون، یوهان (۱۳۹۷ ش)؛ جامعه‌شناسی تمدن: مسائل تاریخی و سنت‌های نظری؛ مترجم: سالار کاشانی؛ تهران: ترجمان علوم انسانی.
- جمالی، مصطفی (۱۴۰۲ ش)؛ «شاخص‌های رویکرد تمدنی و تطبیق آن بر حادثه عظیم اربعین»؛ در: چیستی رویکرد تمدنی: از عرصه نظر تا صحنه عمل؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی‌پور (۱۳۹۳ ش)؛ «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»؛ مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۹.
- خجسته باقرزاده، حسن (۱۳۹۸ ش)؛ «عوامل کلیدی رسانه‌ای در سیاست‌گذاری برای رادیو - تلویزیون ایران»؛ پژوهش‌های ارتباطی، ش ۱۰۰.
- خواججه‌سروی، غلامرضا و مرتضی بیات (۱۳۹۶ ش)؛ «سیاست‌گذاری رسانه مطلوب در جمهوری اسلامی ایران»؛ دین و ارتباطات، ش ۵۲.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۴ ش)؛ «پژوهشی بنیادین در حوزه مفاهیم نظری سیاست‌گذاری رسانه‌ای»؛ مدیریت دولتی، دوره ۷، ش ۳.
- روشندل اربطانی، طاهر، علی اصغر پورعزت، سیدوحید عقیلی، و سمیه لبافی (۱۳۹۴ ش)؛ «طراحی و تبیین مدل سیاست‌گذاری خبری بر اساس مؤلفه‌های بنیادین در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران»؛ پژوهش‌های مدیریت عمومی، ش ۲۸.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶ ش)؛ فلسفه تمدن نوین اسلامی؛ تهران: سوره مهر.
- لبافی، سمیه (۱۳۹۸ ش)؛ «شناسایی حوزه‌های موضوعی پژوهش‌های سیاست‌گذاری رادیو - تلویزیون: رویکرد فراترکیب»؛ پژوهش‌های ارتباطی، ش ۱۰۰.
- مظفر، حسین، مهدی رضائیان، عباسعلی حاجی پروانه و مجید الهام‌بخش (۱۳۹۸ ش)؛ «طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی»؛ مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ش ۱۲.
- مهرابی، امیرحمزه، حسین حنیفر، علی نقی امیری، حسن زارعی‌متین و غلامرضا جندقی (۱۳۹۰ ش)؛ «معرفی روش‌شناسی نظریه‌داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)»؛ مدیریت فرهنگ سازمانی، ش ۲۳.
- میرصادقی، سیدمهدی (۱۳۹۰ ش)؛ گذر و نظری بر تمدن‌ها؛ تهران: پارسه.

نوروزی فیروز، رسول و فاضله خاتمی (۱۳۹۹ ش)؛ تمدنی و جهانی شدن؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. نیازی، احمدعلی (۱۳۸۹ ش)؛ «اهداف و وظایف حکومت دینی»؛ معرفت سیاسی، ش ۳. واسعی، سیدعلیرضا (۱۴۰۲ ش)؛ «رویکرد تمدنی: چیستی و شاخص‌ها (مورد مطالعه: انتخابات)»؛ در: چیستی رویکرد تمدنی: از عرصه نظر تا صحنه عمل؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۸ ش)؛ فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

هاشمی، ثریا (۱۳۸۴ ش)؛ بررسی اصول، اهداف و سیاست‌های حوزه سیما؛ تهران: مرکز پژوهش‌های صداوسیما.

هاشمی‌نسب، سیدسعید (۱۴۰۲ ش)؛ «رویکرد تمدنی و بالاترین سطح آگاهی اجتماعی برای کنش اجتماعی (تمدنی)»؛ گره‌زدن اراده‌مند گذشته و آینده برای به گشت امروز (سیاست زندگی)»؛ در: چیستی رویکرد تمدنی: از عرصه نظر تا صحنه عمل؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

همایون، محمدهادی (۱۳۹۸ ش)؛ چهلستون تمدن؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).

Lee, J. (2001), *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.

McQuail, D. (2006), *Mass communication theory*, London, sage.

Neuman, Lawrence (1997), *social research methods :qualitative and quantitative approaches* 3d. ed. Boston, Allyn and Bacon.

Patton, M. Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.

Powell, R. (1999), "Recent trends in research: a methodological essay", *Library and Information Science Research*, Vol. 21 No. 1, pp. 91-119.

Victoria Durrer, Toby Miller, Dave O'Brien (2018), *global culturel policy*, London and newyork, routledge.

Willfried Spohn (2011), *World history, civilizational analysis and historical sociology: Interpretations of non-Western civilizations in the work of Johann Arnason*. *European Journal of Social Theory* 14(1) 23-39.